دستگیری "خرس داعش" در شمال سوریه

نیروهای دموکراتیک سوریه یکی از فرماندهان برجسته گروه تروریستی-تکفیری داعش و از افراد مرتبط با حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به شهرهای نیویورک و واشنگتن به نام "محمد حیدر زمار" معروف به "خرس سوری" را دستگیر کردند. زمار در سال ۲۰۱۴ براساس مبادله اسیران با گروه تروریستی احرار الشام از زندان سوریه آزاد شده بود. در آن سال‌ها احرار الشام در حال مبارزه با داعش برای بیرون راندن آن از استان حلب و مناطق تحت اشغال بود و ولی زمار به احرار الشام نپیوست و مدتی بعد در میان نیروهای داعش مشاهده شد.

تحلیل روز

دکتر طه اکرمی

«شیمیایی» فقط یک بهانه بود

حمله ائتلاف نظامی آمریکا، فرانسه و انگلستان به سوریه به اتهام استفاده دولت این کشور از سلاح‌های شیمیایی حتی طبق قوانین داخلی کنگره آمریکا نیز، قانونی نبود و باید مجوز کنگره را کسب می‌کرد. حمله درست پس از درخواست ۷۲ نماینده دموکرات و ۱۶ نماینده جمهوری‌خواه کنگره مبنی بر ضرورت کسب مجوز از کنگره پیش از حمله، صورت گرفت. آن‌ها، حمله و جنگ بدون کسب مجوز از کنگره به کشوری که علیه آمریکا اعلام جنگ نکرده است ناقض و در مغایرت با اصل تفکیک قوا دانستند. با وجود این، دلایل بسیار محکمی که ترامپ را متقاعد به انجام چنین اقدامی کرد، عبارت‌اند از: ۱- دلیل اول؛ دلیلی است که آمریکا و متحدانش به‌عنوان دلیل حمله اعلام کرده‌اند، یعنی جلوگیری از هنجار شدن و گسترش استفاده از تسلیحات شیمیایی. بنابراین کسب اعتبار بین المللی آن هم در فضایی که شاهد کاهش محبوبیت و اجماع جهانی آمریکا هستیم و با القای این تصور که ایالات متحده در همه‌جا و همه زمان‌ها و تحت هر شرایطی با سلاح‌های ممنوعه مقابله خواهد کرد، می‌توانست هدف این موضوع باشد. ۲- نزدیکی انتخابات آمریکا و ضرورت کسب وجهه مثبت و دستاوردی در خور توجه، به جهت کسب رأی در انتخابات کنگره. ۳- ترامپ نیاز داشت تا اتهام همکاری با روسیه را از خود دور کند و این بهترین زمان برای چنین منظوری بود. بنابراین کاهش فشارهای داخلی و تحت الشعاع قرار دادن گزارش رابرت مولر بازرس ویژه پرونده مداخله احتمالی روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا، می‌توانست دلیل محکمی باشد. همچنین شایان ذکر است که وکیل ترامپ، مایکل کوهن نیز در حال بازجویی و رسیدگی است که یکی از اتهامات او، همین بحث ارتباط با روسیه است. بنابراین انحراف توجه از شکست اش در سوریه و نزدیک شدن خطر برکناری او در داخل آمریکا به دلیل رسیدن تحقیقات به دفتر و وکلایش به خاطر دعاوی فساد و تقلب در انتخابات ریاست جمهوری از علل دیگر این موضوع بود. ۴- تحت الشعاع قرار دادن پیشروی‌های ارتش سوریه در صحنه میدانی. با این تهدید ترامپ به دنبال برهم زدن تمرکز عملیاتی ارتش سوریه و پراکنده کردن نیروهای محور مقاومت بود تا مانع از ادامه عملیات‌ها و تقویت معارضان شود. لذا می‌توان این جنگ را در کنار دو مورد بعدی، به نوعی جنگ روانی-شناختی نیز تلقی کرد. ۵- امتیاز گیری در مذاکرات پشت پرده و محتاط کردن دولت‌های ایران، سوریه و روسیه. در واقع، آمریکا ابتدا به زعم خود با اعلام و قصد حمله به سوریه درصدد هراس و فشار بر دولت سوریه، روسیه و ایران بود تا بلکه بتواند در یک جوروانی پر از هراس و ترس، امتیازاتی در مذاکرات پشت پرده با طرف‌های مقابل و از جمله روسیه بگیرد. ۵- اتفاقاتی در عرصه بین المللی در جهان در حال وقوع هستند که دو مورد آن می‌تواند بسیار به این حمله نزدیک باشد؛ اولی برجام است و دیگری، مذاکره با کره شمالی. در واقع ترامپ قصد داشت تا با این حمله، جدیت و شدت واکنش خود را به این دو کشور نشان دهد تا آن‌ها در مذاکره با آمریکا، اصلاحات و در واقع، تغییراتی را که مدنظر دولت آمریکاست بپذیرند. او با این حمله، قصد دارد با دست بالاتر به مذاکره بیاید و روحیه و شجاعت دو طرف مذاکره را تضعیف کند. ۶- نباید فراموش کرد که منافع آمریکا، در گروی منافع اسرائیل است و البته آمریکا به دنبال جلب توجه عربستان است. اسرائیل پس از حمله و به شهادت رساندن نیروهای ایرانی حاضر در سوریه، به شدت نگران پاسخ ایران است. علاوه بر این، اسرائیل از قدرت ایران و باقی ماندن بشار اسد نیز بسیار هراس دارد. مشابه این هراس را عربستان نیز دارد و هر دو از قدرت گرفتن و افزایش نفوذ ایران در منطقه بسیار نگران‌اند. آمریکا با این حمله قصد داشت تا حضور و حمایت خود را به متحدان و شرکای منطقه‌ای‌اش نشان دهد و از طرف دیگر، ایران را نیز، به نوعی تهدید کند. اما دلیل حضور نیافتن زمینی و نظامی گسترده آمریکا در سوریه چه بود؟! پاسخ این سؤال را نیز می‌توان همچنان در استراتژی چرخش به شرق (آسیا) مشاهده کرد کاهش نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، نبود درگیری جدی نظامی در بحران‌های نظامی منطقه و تشویق و تقویت قدرت نظامی (متکی به توان داخلی یا اتحاد درون منطقه‌ای) متحدان از نتایج این استراتژی است. الف: کاهش نیروهای نظامی آمریکا در منطقه: یکی از آثاری که سیاست چرخش به آسیا در منطقه خاورمیانه گذاشته، کاهش نیروهای نظامی آمریکا در منطقه است. ایالات متحده بنا به الزامات سیاست جدید مجبور است تا حجم قابل توجهی نیرو و تجهیزات نظامی را در منطقه شرق آسیا مستقر کند. این موضوع را در موضع گیری ترامپ درباره خروج نیروهایش از سوریه شاهد بودیم و لذا صرفاً در صورت تأمین هزینه‌های آن‌ها، این نیروها در منطقه حاضر خواهند بود. ب: نبود درگیری جدی نظامی در بحران‌های منطقه و تشویق و تقویت قدرت نظامی متحدان منطقه‌ای. در خاورمیانه امروزی درگیری‌ها و بحران‌های بسیاری شعله‌ور هستند که هر کدام به تنهایی می‌تواند توان زیادی را از آمریکا سلب کند؛ بحران‌هایی همچون سوریه، عراق، یمن و لیبی که به جنگ داخلی تبدیل شده‌اند. این بحران‌ها علاوه بر این که در کانون اصلی خود و ایرانی‌های بسیاری به بار آورده‌اند قابلیت سرایت به کشورهای همسایه خود نظیر مصر، ترکیه، الجزایر، تونس، اردن و لبنان را نیز دارند و این موضوع منافع آمریکا را با چالش مواجه می‌کند. طبق مطالعات تاریخی برای غلبه بر این چالش دو راه حل وجود دارد؛ اولین راه حل وارد کردن یک نیروی نظامی قدرتمند و غلبه سریع بر نیروهای معارض است. با وجود این استراتژی چرخش به آسیا برنامه کاری خاص خود را دارد. طبق این برنامه ایالات متحده آمریکا نباید در هیچ بحران بین المللی به طور گسترده درگیر شود. راه حل دوم امضا و اجرای توافق صلح فراگیر با استفاده از ظرفیت متحدان منطقه‌ای و داخلی نقاط بحران‌زده است. طبق نظر استراتژیست‌های آمریکا این راه حل می‌تواند بحران را هر چند در مدت زمان طولانی‌تر مدیریت کند. همچنین از دیگر عناصر نبود درگیری جدی، استفاده از موشک‌ها، پهپادها و نیروی هوایی است که در این حمله کاملاً مشهود بود. در این حمله چهار جنگنده تورنادوی بریتانیایی مجهز به موشک‌های کروز سایه‌توفان، جت‌های جنگنده تایفون بریتانیا، جنگنده رافاله فرانسه که آن نیز مجهز به سایه توفان است، بمب‌افکن ب ۱ آمریکا مجهز به موشک‌های کروز JASSM، سه کشتی جنگی آمریکایی و یک زیردریایی مجهز به تام هاوک شرکت داشتند که همگی از عناصر جنگ در این استراتژی جدید هستند. بنابراین حضور نیروی زمینی، جز برای عملیات‌های خاص و به صورت محدود، صرفاً در دستور کار است و شاهد حضور گسترده زمینی از طرف آمریکا در بحران‌های منطقه به هیچ وجه نخواهیم بود. به طور کلی، ترامپ در صدد بود تا با این حمله، ضمن نشان دادن پایبندی خود به اصولی خاص در مسائل امنیتی و رفع اتهام بی‌برنامه بودن، اهرم‌هایی برای فشار و کسب امتیاز در برخی اقدامات آتی منطقه‌ای خود نظیر برجام کسب کند. حال آن که از این طریق، توانست متحدان منطقه‌ای خود، به خصوص عربستان و اسرائیل را نیز راضی کند. لذا اگرچه این عملیات به هیچ وجه گسترده نبود و تأثیر چندانی بر روند مسائل سوریه نداشت، اما تأثیر شناختی و روانی خود را به طور کامل ایفا کرد. لذا ایران نیز باید در مذاکرات خود چه درباره برجام و چه در خصوص مسائل منطقه‌ای و به ویژه سوریه، متوجه این موضوع باشد و تلاش کند تا دچار خطای محاسباتی نشود و مورد هجمه روانی آمریکا و غرب قرار نگیرد.

استقبال گسترده از توقف آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی

آوانس «اون»

نبی شریفی- «این موشک را شجاعانه و برای حزب و سرزمین مادری پرتاب کنید.» این بخشی از فرمان پرتاب موشک قاره‌پیمایی بود که «کیم جونگ‌اون» در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۸ (۸ آذر ۹۶) صادر کرد. موشکی قاره‌پیما که می‌توانست پایتخت ایالات متحده آمریکا را هدف قرار دهد. پس از ۱۱ سال، به‌رغم تحریم‌های اعمال شده توسط سازمان ملل از سال ۲۰۰۶، کره شمالی بالاخره توانست با شش آزمایش هسته‌ای موفقیت‌آمیز رویای خود را محقق کند. این کشور حتی گامی فراتر هم برداشت و از ساخت و آزمایش بمب‌های هیدروژنی خبر داد. حالا، رهبر کره شمالی که دلش به آتش موشک‌های بالستیک اش، گرم است در پی مذاکره با آمریکاست. «کیم جونگ‌اون» حتی یک آوانس هم به آمریکا داده است. خبر گزاری دولتی کره شمالی اعلام کرد که این کشور «برای نشان دادن تعهد خود» تمامی آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی خود را «تعلیق» می‌کند و یک محل و تاسیسات مربوط به «آزمایش هسته‌ای» در شمال آن کشور را نیز می‌بندد. این تصمیم در مجمع عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست کره شمالی گرفته شده و هدف آن ورود به یک «دوران تازه» در مناسبات سیاسی بین المللی است. به گزارش دویچه وله، چین، مهم‌ترین متحد کره شمالی از تصمیم کیم جونگ‌اون، برای دور شدن از آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی تقدیر کرده است. «لو کانگ»، سخنگوی وزارت خارجه چین، دیروز در پکن گفت که تصمیم چین برای تمرکز بیشتر بر «توسعه اقتصاد و بهبود استانداردهای زندگی مردم» کمکی به «تنش‌زدایی بیشتر در اوضاع شبه جزیره کره» است. مقامات ارشد کره جنوبی و آمریکا نیز از این اقدام پیونگ یانگ استقبال کرده‌اند. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا این تصمیم را «یک خبر خیلی خوب» برای کره شمالی و جهان نامید. با این حال، رهبر کره شمالی، دیروز در بیانیه‌ای اعلام کرد که کشورش دیگر نیازی به آزمایش هسته‌ای و موشک‌های بالستیک ندارد، چرا که به توانایی تولید سلاح هسته‌ای دست یافته است. اون، هنوز هم تاکید دارد که در صورت تهدید کشورش، یک «دکمه هسته‌ای» آماده برروی میز خود دارد.

جزئیاتی از ترور دانشمند فلسطینی در مالزی

ماشین ترور موساد

دو فرد مسلح ناشناس، فادی البطش دانشمند فلسطینی را در جریان عزیمت برای شرکت در نماز صبح در منطقه سکونت وی در کوالالامپور پایتخت مالزی به شهادت رساندند. ۱۰ تا ۱۴ گلوله به سمت البطش شلیک شده، اما وی در نتیجه اصابت چهار گلوله که یکی از آن‌ها به سرش خورده، جان خود را از دست داد. فادی البطش ۳۵ ساله دکترای خود را در مهندسی الکترونیک گرفته و استاد دانشگاه خصوصی مالزی بود. او در اصل ساکن شهر جبالیا در نوار غزه بوده و همسر و سه فرزند داشت، البطش جوایز علمی متعددی را دریافت کرده که از جمله آن‌ها بورس خزانه‌داری مالزی بود که به‌عنوان اولین فرد عرب در سال ۲۰۱۶ به آن دست یافت. وی همچنین مجموعه‌ای از اختراعات برای توسعه سیستم‌های الکترونیک و فلزات برای تولید برق داشته است. خانواده البطش، موساد را به دست داشتن در این ترور متهم کرده و از مقامات حاکم مالزی خواسته‌اند تا تحقیقات فوری را برای مشخص شدن هویت قاتلان قبل از فرار آن‌ها انجام دهند. جنبش حماس با صدور بیانیه ویژه‌ای تاکید کرد که البطش یکی از عناصر کادر این جنبش بوده و سرویس جاسوسی موساد مسئول انجام این ترور است. خالد البطش از رهبران جنبش جهاد اسلامی فلسطین نیز سرویس جاسوسی موساد را به دست داشتن در این ترور متهم کرده و از مقامات مالزی خواست تحقیقات فوری را قبل از فرار متهمان این ترور برای افشای هویت آن‌ها انجام دهند. شبکه دو تلویزیون رژیم صهیونیستی با اعلام خبر ترور فادی البطش تاکید کرد که وی مهندس برق و کارشناس تولید هواپیماهای بدون سرنشین بود. شاید بتوان این اظهارات رسانه رژیم صهیونیستی را به عنوان پذیرش تلویحی مسئولیت موساد در انجام این ترور ارزیابی کرد. تل آویو، مالزی را متهم کرده بود که به نیروهای ویژه جنبش حماس در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برای انجام عملیات در داخل سرزمین‌های اشغالی آموزش می‌دهد. در نهایت باید دید آیا موساد مانند ترور محمد الزواری در تونس که او را متهم به تولید هواپیماهای بدون سرنشین کرده بود، این ترور را نیز انجام داده است؟

اعتراضات ۱۰ روزه در ارمنستان منجر به بازداشت ۲۳۰ نفر شد

سد راه سرکیسیان

حضور مخالفان نخست‌وزیری «سرژ سرکیسیان» در خیابان‌های ایروان، پایتخت ارمنستان، ۱۰ روزه شد. پلیس این کشور اعلام کرده که بیش از ۲۳۰ نفر را تا ظهر روز گذشته بازداشت کرده است. این در حالی است که «نیکول پاشینیان»، نماینده پارلمان ارمنستان و رهبر معترضان ضد دولتی در این کشور، دیروز در خواست‌های دولت مبنی بر گفت‌وگو و مذاکره را رد و اعلام کرد که «هرگونه مذاکره‌ای مشروط به استعفای سرژ سرکیسیان از مقام نخست‌وزیری است». شرکت کنندگان در تظاهرات ۱۰ روز اخیر، سرژ سرکیسیان را به «چنگ‌زدن به قدرت» متهم می‌کنند. برگزارکنندگان این راهپیمایی‌ها عهد کرده‌اند یک کارزار «نافرمانی مدنی» در سطح ملی برپا کنند. «نیکول پاشینیان» خواستار یک «انقلاب مخملی آرام» شده و حامیان خود را ملزم کرده است در سراسر این کشور «کمیته‌های انقلابی» تشکیل دهند. تاکنون، معترضان باعث بروز ترافیک شدیدی در ایروان، پایتخت ارمنستان شده‌اند و در گیومری، دومین شهر بزرگ این کشور هم تظاهرات برگزار شده است. معترضان تلاش کردند راه اصلی این شهر به ایروان را مسدود کنند. نخستین روز کاری سرژ سرکیسیان در مقام جدید قرار بود پنج‌شنبه آغاز شود اما تظاهرکنندگان با مسدود کردن منطقه اداری ایروان در «میدان جمهوری» مانع از رفت‌وآمدها در این منطقه شدند. ماجرای این کشور، از آن جا آغاز شد که در سال ۲۰۱۵ اصلاحات قانون اساسی در ارمنستان برای تغییر نظام ریاستی به پارلمانی صورت گرفت. جمهوری ارمنستان که در سال ۱۹۹۱ از اتحاد جماهیر شوروی جدا شد از ابتدا نظامی ریاستی داشت. سرژ سرکیسیان که از سال ۲۰۰۸ بر صندلی ریاست جمهوری تکیه زده است، طبق قانون اساسی ارمنستان نمی‌تواند بعد از دو دوره پنج ساله دیگر رئیس جمهور باقی بماند. اما او در سال ۲۰۱۵ پیشنهاد همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی را داد که طبق آن نظام ریاستی به پارلمانی تبدیل می‌شد. با آرای موافق اکثریت شهروندان، جایگاه ریاست جمهوری در این کشور به یک پست تشریفاتی تبدیل شد و نخست‌وزیر که با نظر اکثریت اعضای پارلمان انتخاب می‌شود قدرت اصلی را در اختیار دارد؛ قدرتی که اکنون در دستان سرژ است.

حزب دموکرات از ستاد ترامپ، روسیه و ویکی لیکس به دلیل توطئه در انتخابات ۲۰۱۶ شکایت کرد

دموکرات‌ها شاکی جدید ترامپ

امیرعلی ابوالفتح- ۱۶ ماه بعد از انتخابات جنجالی ریاست جمهوری آمریکا، حزب دموکرات از دونالد ترامپ، روس‌ها و سایت افشاگر ویکی لیکس به اتهام اخلال در آن انتخابات، شکایت کرد. حزب دموکرات در شکایتی به دادگاهی در منهتن، مدعی شده است که مقامات ارشد ستاد مبارزات انتخاباتی ترامپ با دولت روسیه و سازمان اطلاعات ارتش این کشور برای آسیب زدن به وجهه هیلاری کلینتون نامزد این حزب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا همدست شدند و با هک کردن رایانه‌های حزب دموکرات، انتخابات را به نفع نامزد حزب جمهوری خواه سوق دادند. از ویکی لیکس نیز به دلیل افشای هزاران ایمیل شخصی هیلاری کلینتون و سران کمیته ملی حزب دموکرات شکایت شده است. از دید دموکرات‌ها، اگر حمایت‌های پشت پرده روس‌ها از ترامپ نبود و اطلاعات هک شده توسط ویکی لیکس منتشر نشده بود، اکنون هیلاری کلینتون دموکرات به جای دونالد ترامپ جمهوری خواه بر صندلی ریاست جمهوری آمریکا نشسته بود. البته به لحاظ آرای مردمی، کلینتون حدود سه میلیون رای بیشتر از ترامپ کسب کرد؛ اما آن چه موجب شد تا ترامپ به ریاست جمهوری برسد، کسب آرای هیئت‌های الکترال بود. جمهوری خواهان، موفقیت ترامپ را در جلب رای دهندگان خشمگین و سرخورده در ایالت‌های موسوم به «آبی» -ایالت‌های اغلب دموکرات- علت پیروزی نامزد خود در انتخابات سال ۲۰۱۶ می‌دانند. آنان مدعی هستند که طرف بازنده انتخابات با بهره‌گیری از شبکه گسترده اطلاعاتی- رسانه‌ای خود در تلاش است با طرح توطئه‌هایی همچون تبانی ستاد انتخاباتی ترامپ با روس‌ها یا هک و انتشار اطلاعات دموکرات‌ها، بر شکست خود سرپوش گذارد. به نظر می‌رسد با پیشرفت در تحقیقات رابرت مولر، دادستان ویژه پرونده دخالت روسیه و انتشار خاطرات جیمز کومی، رئیس برکنار شده اداره تحقیقات فدرال، روند قضایی انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا شدت بگیرد. البته دور از انتظار خواهد بود که شکایت دموکرات‌ها موجب تغییر نتایج این انتخابات شود اما طرح این شکایت در دادگاه، زمینه مناسبی را برای آشکار شدن حقایق در خصوص انتخابات فراهم می‌کند. ترامپ در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۶ بارها اعلام کرد روند انتخابات در آمریکا متقلبانه است و امکان تقلب در آن وجود دارد. وی حتی مدعی شد که بیش از پنج میلیون رای به شکل غیرقانونی برای هیلاری کلینتون به صندوق‌ها ریخته شده است. ترامپ بعد از آغاز به کار در سمت رئیس جمهوری، کمیته رسیدگی به موارد تقلب در انتخابات را نیز تشکیل داد که در نهایت زیر فشار منتقدان، آن را منحل کرد. از این رو شاید شکایت دموکرات‌ها و واکنش جمهوری خواهان بر سر موضوع جنجالی تبانی ترامپ با روس‌ها، به ابهامات درباره صحت و سلامت انتخابات در آمریکا نیز پاسخ دهد.

انتشار اسناد دیپلماتیک طبقه‌بندی شده از اختلاف امارات با عربستان

شکاف در ائتلاف عربی

رابطه امارات و عربستان به رغم حضور در ائتلاف‌های متعدد و پیوند منافع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، با افشای قصد ابوظبی برای فروپاشی رژیم آل سعود، وارد مرحله جدیدی شده و گمانه‌ها درباره پایان تلخ دوران ماه عسل شیرین دو کشور را تقویت کرده است. حضور این دو کشور در دو سازمان «اتحادیه عرب» و «شورای همکاری خلیج فارس» و نیز همسویی هدفمند در بحران‌های منطقه‌ای مانند بحران سوریه، یمن و قطر و نیز استمرار دشمنی با محور مقاومت، اگرچه ظاهری سمبلیک به شراکت و اتحاد امارات و عربستان داده، اما فارغ از این پوسته ظاهری، رویکرد برتری جویی در منطقه، مسیر ریاض و ابوظبی را بر سر دوراهی قرار داده است. اگرچه پیشتر رابطه امارات و عربستان بر اساس قاعده «برادر بزرگ‌تر» تعریف می‌شد، اما افزون بر اختلافات برجای مانده از گذشته مانند اختلافات مرزی و تمایز در رویکردهای ایدئولوژیک، اکنون خط مشی‌های جداگانه در اعمال سیاست‌های راهبردی منطقه‌ای شکاف این دو کشور را عمیق‌تر کرده است. سال گذشته هک ایمیل‌های 'یوسف العتیبه' سفیر امارات در آمریکا و انتشار نامه‌نگاری‌های وی، اختلافات دو کشور را از پس پرده برون انداخت. العتیبه در ایمیلی به همسرش، سران سعودی را 'دیوانه' توصیف کرد و در ایمیل دیگری به یک موسسه صهیونیستی، از عربستان به عنوان تهدیدی برای امارات نام برد و افزود: امارات با عربستان بیش از هر کشور دیگری «تاریخ مشترک بد» دارد. عربستان و امارات حدود ۲۰۰ سال با یکدیگر بر سر ترویج «وهابیت» در جنگ بودند. ما با هیچ کشور دیگری به اندازه عربستان، گذشته متشنجی نداشته‌ایم.

اظهار نظر روز

عماد الدین ادیب

خطر اعتماد به ترامپ

ما با فردی سروکار داریم که نزدیک‌ترین افراد به وی، او را این گونه توصیف کرده‌اند؛ ترامپ فردی است که توازن اخلاقی در خور منصب رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا را ندارد، او فردی متقلب مزاج است که معاونانش نمی‌توانند او را توجیه و کنترل کنند. سیاست عالی آمریکا را نه از طریق موسسات و شبکه‌های متعارف در این کشور، بلکه از طریق حساب شخصی خود در توئیتر مدیریت می‌کند. ما همچنین درباره فردی بحران‌زده سخن می‌گوییم که بیشتر معاونانش در کاخ سفید و وزارت دادگستری و سازمان سیای آمریکا و وزارت خارجه و رسانه‌ها را برکنار و ناامید کرده است. ما در مقابل فردی هستیم که نخبگان فرهنگی در نیویورک و هالیوود علیه وی اعلام جنگ کرده‌اند و وی را مسخره می‌کنند. از روزهای گذشته تحقیق از وکیل شخصی ترامپ شروع و کلیه پرونده‌های مرتبط با ترامپ در دفتر و منزل وی مصادره شده است. وی اعتراف کرده که دلال پرداخت پول به ستاره فیلم‌های پورنو بوده است تا درباره ماهیت روابط سابق خود با ترامپ حرفی نزند. دونالد ترامپ تنها رئیس جمهور آمریکاست که در معرض بیشترین رسوایی و فضاحت و انتقادها و تحقیقات قرار گرفته، علی‌رغم این که تنها بیش از ۲۸ ماه از حکومت وی می‌گذرد به ترامپ اعتماد و تکیه نکنید و اکنون در تعامل با او به شدت با احتیاط برخورد کنید.

قاب بین الملل

برای نخستین بار در ۳۵ سال گذشته یک فیلم سینمایی خارجی در عربستان به روی پرده سینما رفت. این فیلم آمریکایی به نام «پلنگ سیاه» برای خانواده‌ها پخش و بلیت‌های آن در عرض ۱۰ دقیقه تمام شد. رزرو صندلی‌های سینما برای پخش این فیلم تنها برای خانواده‌ها امکان‌پذیر بود. بلیت نمایش «پلنگ سیاه» با قیمت ۷۵ ریال سعودی (۸۰ هزار تومان) به فروش رسید. بر اساس قراردادی که در ماه دسامبر سال گذشته میلادی بین عربستان و شرکت آمریکایی AMC امضا شد، قرار است تا پنج سال آینده ۴۰ سالن سینما در ۱۵ شهر مختلف عربستان ساخته شود.